

زندگینامه استاد شهید مطهری

سه شنبه ۲۳ آبان ۱۳۸۵

شرح مختصر زندگانی مولف شهید

استاد شهید آیت الله مطهری در 13 بهمن ۱۲۹۸ هجری شمسی در فریمان واقع در

۷۵ کیلومتری شهر مقدس مشهد در یک خانواده اصیل روحانی چشم به جهان می

گشاید. پس از طی دوران طفولیت به مکتبخانه رفته و به فراگیری دروس ابتدایی

می پردازد. در سن دوازده سالگی به حوزه علمیه مشهد عزیمت نموده و به تحصیل

مقدمات علوم اسلامی اشتغال می ورزد. در سال ۱۳۱۶ علیرغم مبارزه شدید رضاخان

با روحانیت و علیرغم مخالفت دوستان و نزدیکان، برای تکمیل تحصیلات خود عازم

حوزه علمیه قم می شود در حالی که به تازگی موسس گرانقدر آن آیت الله العظمی

حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی دیده از جهان فروبسته و ریاست حوزه را سه تن از

مدرسان بزرگ آن آیات عظام سید محمد حجت، سید صدرالدین صدر و سید محمد

تقی خوانساری به عهد گرفته اند .

در دوره اقامت پانزده ساله خود در قم از محضر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (در فقه و اصول) و حضرت امام خمینی (به مدت ۱۲ سال در فلسفه ملاصدرا و عرفان و اخلاق و اصول) و مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبائی (در فلسفه : الهیات شفای بوعلی و دروس دیگر) بهره می گیرد. قبل از هجرت آیت الله العظمی بروجردی به قم نیز استاد شهید گاهی به بروجرد می رفته و از محضر ایشان استفاده می کرده است. مولف شهید مدتی نیز از محضر مرحوم آیت الله حاج میرزا علی آقا شیرازی در اخلاق و عرفان بهره های معنوی فراوان برده است. از اساتید دیگر استاد مطهری می توان از مرحوم آیت الله سید محمد حجت (در اصول) و مرحوم آیت الله سید محمد محقق داماد (در فقه) نام برد. وی در مدت اقامت خود در قم علاوه بر تحصیل علم، در امور اجتماعی و سیاسی نیز مشارکت داشته و از جمله با فدائیان اسلام در ارتباط بوده است. در سال ۱۳۳۱ در حالی که از مدرسین معروف و از امیدهای آینده حوزه به شمار می رود به تهران مهاجرت می کند. در تهران به تدریس در مدرسه مروی و تألیف و سخنرانیهای تحقیقی می پردازد. در سال ۱۳۳۴ اولین جلسه تفسیر انجمن اسلامی دانشجویان توسط استاد مطهری تشکیل می گردد. در

همان سال تدریس خود در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران را آغاز می

کند. در سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ که انجمن اسلامی پزشکان تشکیل می شود. استاد

مطهری از سخنرانان اصلی این انجمن است و در طول سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰

سخنران منحصر به فرد این انجمن می باشد که بحثهای مهمی از ایشان به یادگار

مانده است .

کنار امام بوده است به طوری که می توان سازماندهی قیام پانزده خرداد در تهران و

هماهنگی آن با رهبری امام را مرهون تلاشهای او و یارانش دانست. در ساعت ۱ بعد از

نیمه شب روز چهارشنبه پانزده خرداد ۱۳۴۲ به دنبال یک سخنرانی مهیج علیه شخص

شاه به وسیله پلیس دستگیر شده و به زندان موقت شهربانی منتقل می شود و به

همراه تعدادی از روحانیون تهران زندانی می گردد. پس از ۴۳ روز به دنبال مهاجرت

علمای شهرستانها به تهران و فشار مردم، به همراه سایر روحانیون از زندان آزاد می

شود.

پس از تشکیل هیئتهای موتلفه اسلامی، استاد مطهری از سوی امام خمینی همراه چند

تن دیگر از شخصیت‌های روحانی عهده دار رهبری این هیئت‌ها می‌گردد. پس از ترور حسنعلی منصور نخست وزیر وقت توسط شهید محمد بخارایی کادر رهبری هیئت‌های مولفه شناسایی و دستگیر می‌شود ولی از آنجا که قاضی بی‌کی‌پرورده این گروه تحت نظر او بود مدتی در قم نزد استاد تحصیل کرده بود به ایشان پیغام می‌فرستد که حق استادی را به جا آوردم و بدین ترتیب استاد شهید از مهلکه جان سالم بدر می‌برد. سنگینتر می‌شود. در این زمان وی به تألیف کتاب در موضوعات مورد نیاز جامعه و ایراد سخنرانی در دانشگاهها، انجمن اسلامی

کردن محتوای نهضت اسلامی پزشکان، مسجد هدایت، مسجد جامع نارمک و غیره ادامه می‌دهد. به طور کلی استاد شهید که به یک نهضت اسلامی معتقد بود نه به هر نهضتی، برای اسلامی کردن محتوای نهضت تلاشهای ایدئولوژیک بسیاری نمود و با اقدام به تأسیس حسینیه ارشاد نمود و با کجرویها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد. در سال ۱۳۴۶ به کمک چند تن از دوستان اقدام به تأسیس حسینیه ارشاد نمود به طوری که می‌توان او را بنیانگذار آن موسسه دانست. ولی پس از مدتی به علت تکروی و کارهای خودسرانه و بدون مشورت یکی از اعضای هیئت مدیره و ممانعت او از اجرای

طرحهای استاد و از جمله ایجاد یک شورای روحانی که کارهای علمی و تبلیغی حسینیه زیر نظر آن شورا باشد سرانجام در سال ۱۳۴۹ علیرغم زحمات زیادی که برای آن موسسه کشیده بود و علیرغم امید زیادی که به آینده آن بسته بود در حالی که در آن چند سال خون دل زیادی خورده بود از عضویت هیئت مدیره آن موسسه استعفا داد و آن را ترک گفت.

در سال 1348 به خاطر صدور اعلامیه ای با امضای ایشان و حضرت علامه طباطبایی و آیت الله حاج سید ابوالفضل مجتهد زنجانی مبنی بر جمع اعانه برای کمک به آوارگان فلسطینی و اعلام آن طی یک سخنرانی در حسینیه ارشاد دستگیر شد و مدت کوتاهی در زندان تک سلولی به سربرد. از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ برنامه های تبلیغی مسجدالجواد را زیر نظر داشت و غالباً خود سخنران اصلی بود تا اینکه آن مسجد و به دنبال آن حسینیه ارشاد تعطیل گردید و بار دیگر استاد مطهری دستگیر و مدتی در بازداشت قرار گرفت. پس از آن استاد شهید سخنرانهای خود را در مسجد جاوید و مسجد ارک و غیره ایراد می کرد. بعد از مدتی مسجد جاوید نیز تعطیل گردید. در حدود سال ۱۳۵۳ ممنوع المنبر گردید و این ممنوعیت تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت.

اما مهمترین خدمات استاد مطهری در طول حیات پر برکتش ارائه ایدئولوژی اصیل اسلامی از طریق درس و سخنرانی و تألیف کتاب است. این امر خصوصاً در سالهای ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ به خاطر افزایش تبلیغات گروههای چپ و پدید آمدن گروههای مسلمان چپ زده و ظهور پدیده التقاط به اوج خود می رسد. گذشته از حضرت امام، استاد مطهری اولین شخصیتی است که به خطر سران سازمان موسوم به «مجاهدین خلق ایران» پی می برد و دیگران را از همکاری با این سازمان باز می دارد و حتی تغییر ایدئولوژی آنها را پیش بینی می نماید. در این سالها استاد شهید به توصیه حضرت امام مبنی بر تدریس در حوزه علمی قم هفته ای دو روز به قم عزیمت نموده و درسهای مهمی در آن حوزه القا می نماید و همزمان در تهران نیز درسهایی در منزل و غیره تدریس می کند. در سال ۱۳۵۵ به دنبال یک درگیری با یک استاد کمونیست دانشکده الهیات! زودتر از موعد مقرر بازنشسته می شود. همچنین در این سالها استاد شهید با همکاری تنی چند از شخصیتهای روحانی، «جامعه روحانیت مبارز تهران» را بنیان می گذارد بدان امید که روحانیت شهرستانها نیز به تدریج چنین سازمانی پیدا کند.

گرچه ارتباط استاد مطهری با امام خمینی پس از تبعید ایشان از ایران به وسیله نامه و غیره استمرار داشته است ولی در سال ۱۳۵۵ موفق گردید مسافرتی به نجف اشرف نموده و ضمن دیدار با امام خمینی درباره مسائل مهم نهضت و حوزه های علمیه با ایشان مشورت نماید. پس از شهادت آیت الله سید مصطفی خمینی و آغاز دوره جدید نهضت اسلامی، استاد مطهری به طور تمام وقت در خدمت نهضت قرار می گیرد و در تمام مراحل آن نقشی اساسی ایفا می نماید. در دوران اقامت حضرت امام در پاریس، سفری به آن دیار نموده و در مورد مسائل مهم انقلاب با ایشان گفتگو می کند و در همین سفر امام خمینی ایشان را مسؤول تشکیل شورای انقلاب اسلامی می نماید. هنگام بازگشت امام خمینی به ایران مسؤولیت کمیته استقبال از امام را شخصاً به عهده می گیرد و تا پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن همواره در کنار رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی و مشاوری دلسوز و مورد اعتماد برای ایشان بود تا اینکه در ساعت بیست و دو و بیست دقیقه سه شنبه یازدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸ در تاریکی شب در حالی که از یکی از جلسات فکری سیاسی بیرون آمده بود یا گلوله گروه نادان و جنایتکار فرقان که به مغزش اصابت نمود به شهادت می رسد و امام و امت اسلام در حالی که امیدها به آن بزرگمرد بسته بودند در ماتمی عظیم فرو می روند .

سلام و درود خدا بر روح پاک و مطهرش.

نوشته شده در سه شنبه ۲۳ آبان ۱۳۸۵ و ساعت ۱۰:۵۸ توسط : پسرک

[±|نظرها \(۰\)](#)

◆ مقاله ای پیرامون یاران قائم، علیه‌السلام

سه شنبه ۲۳ آبان ۱۳۸۵

«مهدی هنگام نماز عشا در مکه ظهور می کند در حالی که پرچم رسول خدا، که درود

خدا بر او و خاندانش باد، و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد و دارای نشانه‌ها و نور و

بیان است. وقتی نماز عشا را به جا آورد با صدای رسا و بلند خود می فرماید: ای مردم!

خدا را به یاد شما می آورم. شما اینک در پیشگاه خدا ایستاده‌اید. او حجت خود را

برگزید و پیامبران را برانگیخت و کتاب (آسمانی) فرو فرستاد و شما را امر کرد که

چیزی را شریک او قرار ندهید و از او و فرستاده‌اش اطاعت و فرمانبرداری کنید و زنده

نگه دارید آنچه را که قرآن زنده کرده است و بمیرانید آنچه را که او میرانده است.

هواداران راستی و هدایت و پشتیبان تقوی و پرهیزگاری باشید، زیرا نابودی و زوال دنیا نزدیک شده و اعلام وداع نموده است. و من شما را به خدا و رسولش و عمل به کتاب خدا و ترک باطل و احیای سنت او دعوت می‌کنم. سپس او، بدون قرار قبلی، به همراه سید و سیزده مرد، به شمار یاران بدر، که همچون ابر پاییزی پراکنده‌اند و زاهدان شب و شیران روزند، ظهور می‌کند و خداوند سرزمین حجاز را برای مهدی می‌گشاید و او هر کس از بنی‌هاشم را که در زندان به سر می‌برد، آزاد می‌سازد. آنگاه درفشهای سیاه در کوفه فرود می‌آید و گروهی را به جهت بیعت به سوی مهدی روانه می‌سازند و آن حضرت لشکریان خود را به سراسر جهان گسیل داشته و ستم و ستم پیشگان را از میان بر می‌دارد و همه سرزمینها به دست او به راستی و درستکاری در می‌آیند.» (۱)

امام باقر، علیه‌السلام .

گفتیم که به هنگام ظهور قائم، علیه‌السلام، یاران او از سراسر جهان در مکه به گردش جمع می‌شوند و با او بیعت می‌کنند؛ حال این پرسش مطرح است که یاران قائم چگونه

همگی در یک زمان و در کمترین فرصت در مکه حاضر می‌شوند و خود را برای

همراهی با آن حضرت آماده می‌سازند؟

امام علی، علیه‌السلام، در این زمینه تعبیر جالبی دارند که به ما در درک چگونگی اجتماع یاران قائم، علیه‌السلام، یاری می‌کند. ایشان می‌فرماید:

«فاذا كان ذلك ضرب يعسوب الدين بذنبه، فيجتمعون اليه كما يجتمع قزع الخريف.»
(۲)

چون وقت آن برسد آقای بزرگوار و پیشوای دین مستقر و پابرجا گردد. پس نزد آن بزرگوار گرد آیند، چنانکه پاره‌های ابر در فصل پاییز گرد آمده و به هم می‌پیوندند.

تشبیه جمع شدن یاران آن حضرت به جمع شدن ابرهای پاییزی نشان از سرعت اجتماع و به هم پیوستن آنها دارد؛ چنانکه در روایتی که در همین زمینه از امام باقر، علیه‌السلام، نقل شده آمده است:

«یاران قائم سیصد و سیزده مرد از فرزندان عجم (غیر عرب) هستند. گروهی از آنان به

هنگام روز به وسیله ابر حرکت می‌کنند و با نام خود و نام پدر و خصوصیات نسبشان شناخته می‌شوند. گروهی دیگر از آنها در حالی که در بستر خود آرمیده‌اند، بدون قرار

قبلی در مکه بر آن حضرت وارد می‌شوند.» (۳)

از امام صادق، علیه‌السلام، نیز روایتی به همین مضمون نقل شده است :

«جوانان شیعه در حالی که بر پشت‌بامهای خود آرمیده‌اند، در یک شب، بدون هیچ قرار

قبلی به نزد صاحب خود برده شده و بامدادان در مکه حاضر می‌شوند.» (۴)

از این روایات و دیگر روایات مشابه (۵)

که همگی دلالت بر اجتماع ناگهانی و از پیش تعیین نشده یاران قائم، در یک شب

مشخص در مسجدالحرام، دارند، روشن می‌شود که تنها به مدد قدرت بی مانند خداوند

متعال است که آن تعداد افرادی که برای یاری امام مهدی، علیه‌السلام، برگزیده شده‌اند

در مدت زمان کوتاهی و یا به تعبیر برخی از روایات «در کمتر از یک چشم بر هم

زدن» (۶)

به گرد آن حضرت جمع می‌شوند .

گفتیم که یاران قائم، علیه‌السلام، از نظر توان جسمانی و قدرت بدنی در مرتبه بالایی

قرار دارند تا آنجا که کوهی را از جا بر می‌کنند. اما این پرسش همواره مطرح بوده که

امام‌عصر، علیه‌السلام، و یارانش از چه سلاحی در مبارزه با مستکبران و گردنکشان عصر

استفاده می‌کنند؟

برای یافتن پاسخ پرسش یادشده به سراغ روایات می‌رویم تا ببینیم از آنها چه چیزی به دست می‌آید .

امام باقر، علیه‌السلام، در ضمن روایتی که در آن به بیان شباهتهای امام مهدی با انبیای الهی می‌پردازند، شباهت آن امام را با جد بزرگوارش پیامبر اکرم، صلی‌الله‌علیه‌وآله، چنین بر می‌شمارند :

«...اما شباهت او به جد برگزیده‌اش، که درود بر او و خاندانش باد، این است که او با شمشیر قیام می‌کند و دشمنان رسول خدا، صلی‌الله‌علیه‌وآله، و همه ستمگران و گردنکشان را به قتل می‌رساند. و او با شمشیر و ترسی (که در دل دشمنان می‌افکند) به پیروزی می‌رسد (7) .»...

چنانکه ملاحظه می‌شود در این روایت به دو شباهت عمده حضرت مهدی، علیه‌السلام، با جد بزرگوارش اشاره شد که یکی از آنها قیام با شمشیر و دیگری حمایت و پشتیبانی خدا از او به وسیله ایجاد ترس و وحشت در دل دشمنان است .

در اینجا برای روشن ساختن بیشتر موضوع، در مورد شباهتهای یاد شده باختصار توضیح می‌دهیم :

۱. نبرد و پیروزی با شمشیر

در روایات بسیاری بر این نکته تصریح شده که امام مهدی، علیه السلام، با شمشیر قیام

می کند، تا آنجا که آن حضرت را «قائم بالسیف» و یا «صاحب السیف» نامیده اند؛ که

برای نمونه می توان به روایت زیر که از امام صادق، علیه السلام، نقل شده اشاره کرد .

آن حضرت در پاسخ فردی که در مورد «قائم» از ایشان پرسیده بود فرمود :

«کلنا قائم بامر الله، واحد بعد واحد، حتی یجیء صاحب السیف، فاذا جاء صاحب السیف

جاء بامر غیر الذی کان.» (۸)

همه ما، یکی پس از دیگری، بر پا دارنده (قائم) امر خداییم، تا اینکه صاحب شمشیر

ظهور کند. پس آنگاه که صاحب شمشیر ظهور کند، شیوه ای غیر از آنچه پیش از آن

بوده است، در پیش می گیرد .

اما این پرسش مطرح است که آیا این تعبیرها تنها اشاره به مسلحانه و قهرآمیز بودن

قیام و انقلاب مهدوی دارد، یا اینکه نه، ذکر شمشیر در اینگونه روایات موضوعیت

داشته و آن امام واقعا با شمشیر به نبرد با گردنکشان می پردازد؟

اگر چه شاید نتوان پاسخی صریح و قطعی به این پرسش داد ولی توجه به روایات

زیادی که در این زمینه وارد شده احتمال دوم را تقویت کرده و نشان می‌دهد که در قیام مهدوی شمشیر جایگاه خاصی دارد .

در اینجا به برخی از روایاتی که در آنها از شمشیر، به عنوان سلاح آن حضرت و یاران ایشان، یاد شده، اشاره می‌کنیم :

الف) امام باقر، علیه‌السلام، در روایتی خطاب به «جابر جعفی» می‌فرماید :

«ای جابر! برای بنی‌عباس پرچمی است و برای دیگران پرچمهایی، پس برحذر باش و

برحذر باش، تا زمانی که مردی از فرزندان حسین، علیه‌السلام، را ملاحظه کنی که بین

رکن و مقام با او بیعت می‌شود. سلاح رسول خدا، صلی‌الله‌علیه‌وآله، کلاهخود رسول

خدا، صلی‌الله‌علیه‌وآله، زره رسول خدا و شمشیر رسول خدا با اوست.» (۹)

ب) در روایت دیگری، به نقل از امام باقر، علیه‌السلام، در وصف امام قائم، علیه‌السلام،

چنین آمده است :

«هشت ماه تمام شمشیر بر دوش نهاده (دشمنان خدا) می‌کشد تا خدا خشنود گردد.»

(۱۰)

»

ج) امام صادق، علیه‌السلام، نیز در مورد سلاح جنگی یاران قائم می‌فرماید :

«هنگامی که قائم بپا خیزد، شمشیرهای نبرد فرود می‌آید، درحالی‌که روی هر شمشیر

نام مردی (از یاران آن حضرت) و نام پدر او نوشته شده است.» (۱۱)

د) «ابان بن تغلب» نقل می‌کند که روزی با جعفر بن محمد، علیهما‌السلام، در مسجد

مکه نشسته بودم، آن حضرت درحالی‌که دست مرا گرفته بود فرمود :

«ای ابان! خداوند ۳۱۳ مرد در همین مسجد شما گرد می‌آورد، مردم مکه می‌دانند که

(آن گروه) از پدران و نیاکان آنها متولد نشده‌اند. با هر یک از آنها شمشیری است که بر

آن نام شخص و نام پدر و نسب و خاندانش نوشته شده است.» (۱۲)

روایات بالا بخش کوچکی از روایات فراوانی است که در آنها تصریح شده که قائم،

علیه‌السلام، و یاران او با شمشیر، نبرد رهایی بخش خود را آغاز می‌کنند .

اما اینکه چرا آن امام از میان همه سلاحها شمشیر را برگزیده است شاید به این خاطر

باشد که خداوند نمی‌خواهد عهدی از ستمگران برگردن آن حضرت باشد، حتی به

اندازه استفاده از سلاحهایی که ستمگران روزگار به وجود آورنده آنها بوده‌اند .

2. ایجاد وحشت در دل دشمنان

چنانچه گفته شد، یکی از ویژگیهایی که در روایات برای قیام مهدی بر شمرده شده،

رسیدن به فتح و پیروزی به وسیله ایجاد وحشت و هراس در دل دشمنان است. یعنی

همان ویژگی که در صدر اسلام و در حرکت رهایی بخش پیامبر اسلام، صلی الله علیه و آله،

وجود داشت .

در آیات متعددی از قرآن کریم به این موضوع اشاره شده که خداوند با ایجاد ترس و

وحشت در دل کافران و مشرکان به یاری رسول اکرم و سپاه او برخاسته و آنها را بر

دشمنانشان غالب ساخته است. که برای نمونه می توان به آیات زیر اشاره کرد :

(الف) « اذ یوحى ربك الى الملائكة انى معکم فثبتوا الذین آمنوا سألقی فی قلوب الذین

كفروا الرعب... » (۱۳)

(و به یاد آر) آنگاه که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: من با شما میم، شما مؤمنان را

به پایداری وادارید. من در دلهای کافران بیم خواهم افکند ...

این آیه در جریان جنگ بدر نازل شده که پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، تنها با ۳۱۳ نفر

همراه و بدون تجهیزات کافی در برابر لشکر انبوه و مجهز قریش قرار گرفت و چنان

عرصه بر مسلمانان تنگ شده بود که سر بر آسمان برداشته و از خداوند طلب یاری کردند و خداوند نیز علاوه بر اینکه هزار فرشته را برای یاری مسلمانان فرستاد، چنان ترسی در دل دشمنان آنها انداخت که همگی پا به فرار گذاشتند. (۱۴)

(ب) «هو الذی اخرج الذین كفروا من اهل الكتاب من ديارهم لاول الحشر ما ظننتم ان يخرجوا و ظنوا انهم ما نعتهم حصونهم من الله فاتيهم الله من حيث لم يحتسبوا و قذف في قلوبهم الرعب يخربون بيوتهم بايديهم و ایدی المؤمنین فاعتبروا یا اولی الابصار.» (۱۵)

اوست آن خدایی که نخستین بار کسانی از اهل کتاب را که کافر بودند، از خانه‌هایشان بیرون راند و شما نمی‌پنداشتید که بیرون روند. آنها نیز می‌پنداشتند حصارهایشان را توان آن هست که در برابر خدا نگهدارشان باشد .

خدا از سویی که گمانش را نمی‌کردند بر آنها تاخت آورد و در دلشان وحشت افکند، چنانکه خانه‌های خود را به دست خود و به دست مؤمنان خراب می‌کردند. پس ای اهل بصیرت عبرت بگیرید .

آیه یاد شده که در جریان نبرد مسلمانان با یهود «بنی نظیر» نازل شده است. بخوبی

نشان می‌دهد زمانی که نه مسلمانان گمان می‌بردند که بنی نظیر با آن همه شوکت و

قدرت خانه و کاشانه خود را رها کنند و از سرزمین خود خارج شوند و نه بنی نظیر

احتمال می‌دادند که مسلمانان بتوانند بر آنها با آن همه تجهیزات و برج و بارو غلبه کنند،

خداوند چنان ترس و وحشتی در دل یهود بنی نظیر انداخت که خود در جستجوی

راهی برای فرار به تخریب خانه‌های خود پرداختند. (۱۶)

و این بهترین گواه بر تاثیر بیم و هراس ایجاد شده از سوی خداوند، در تسلیم و شکست

دشمنان خداست، و چه زیبا در پایان این آیه می‌فرماید: «ای خردمندان عبرت

بگیرید.»

آیات دیگری از این دست در قرآن کریم وجود دارد که ما به جهت رعایت اختصار از

ذکر آنها خودداری می‌کنیم. (۱۷)

اما برخی از روایاتی که در آنها تصریح شده حضرت مهدی، علیه‌السلام، و یاران او با

ترس و بیمی که خداوند در دل دشمنان می‌افکند، به پیروزی می‌رسند، به قرار زیر

است :

الف) امام محمدباقر، علیه‌السلام، در روایتی می‌فرماید:

«القائم منصور بالرب مؤید بالنصرة تطوی له الارض و تظهر له الكنوز و يبلغ سلطانه

المشرق و المغرب و يظهر الله، عز و جل، به دینه و لو کره المشركون.» (۱۸)

همانا قائم با ترس و بیم یاری شده و با نصرت (الهی) تایید گشته است، زمین برای او

در هم پیچیده می‌شود و گنجهایش را آشکار می‌کند. نفوذ و اقتدار او شرق و غرب

(جهان) را در بر می‌گیرد و خداوند به وسیله او دین خودش را، بر خلاف میل مشرکان،

غلبه می‌بخشد.

ب) در روایت دیگری که از آن امام نقل شده، چنین آمده است:

«...پرچم سیاه رسول خدا را به اهتزاز در می‌آورد. به فاصله یک ماه از پیش رو، سمت

راست و سمت چپ آن پرچم، ترس همه را فرا می‌گیرد...» (۱۹)

ج) امام، علیه‌السلام، در بیان لشکریان امام مهدی، علیه‌السلام، می‌فرماید: «يؤيده بثلاثة

اجناد: بالملائكة والمؤمنين والرب.» (۲۰)

خداوند او را با سه لشکر یاری می‌کند: فرشتگان، مؤمنان و هراس .

با توجه به آیات قرآن کریم که بصراحت از یاری پیامبر اکرم، صلی‌الله‌علیه‌وآله، به وسیله

ایجاد رعب و هراس در دل دشمنان سخن گفته است و همچنین عنایت به روایاتی که

رعب و هراس را از لشکریان امام مهدی، علیه‌السلام، و اسباب پیروزی ایشان

برشمرده‌اند . می‌توان چنین نتیجه گرفت که به هنگام ظهور خداوند چنان ترس و

وحشتی در دل دشمنان آن امام می‌افکند که آنان را از تصمیم‌گیری درست و بموقع در

مقابله با قیام مهدوی باز می‌دارد، تا آنجا که به هر عملی که دست می‌زنند به ضررشان

تمام می‌شود .

البته در عصر حاضر هم نمونه‌های چنین رویدادی قابل اشاره است، که پیروزی انقلاب

اسلامی و تسلیم ارتش تا دندان مسلح رژیم طاغوت در برابر مردم بی‌سلاح و فتوحات

گسترده رزمندگان اسلام در مقابل ارتش نیرومند بعثی از بارزترین آنهاست .

پاورقیها:

19. همان، ص ۳۹۱: ح: «ینشر رایة رسول الله السوءاء، فیسیر الرعب قدامها شهرا و عن

یمینها شهرا و عن یسارها شهرا...».

16. ک: الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، همان، ج ۹-۱۰، ص ۲۵۷-۲۵۸.

11. المجلسی، محمدباقر، همان، ص ۳۵۶، ح ۱۲۱: «اذا قام القائم، علیه السلام،

نزلت سیوف القتال، علی کل سیف اسم الرجل و اسم اییه».

13. سوره انفال (۸)، آیه ۱۲.

17. ک: سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۵۱، سوره احزاب (۳۳)، آیه ۲۳.

1. المروزی، ابو عبدالله نعیم بن حماد، الفتن (نسخه خطی)، ص ۹۵، به نقل از: معجم

احادیث الامام المهدي علیه السلام، ج ۳، ص ۲۹۵، ح ۸۳۲

15. سوره حشر (۵۹)، آیه ۲.

18. المجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴.

12. همان، ص ۲۸۶، ح ۱۹: «یا ابان، سیاتی الله بثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا فی مسجدکم

هذا، یعلم اهل مکة انه لم یخلق آباؤهم و لا اجدادهم بعد، علیهم السیوف مکتوب علی

کل سیف اسم الرجل و اسم ابیه و حلیته و نسبه...».

10. النعمانی، محمدابراهیم، الغیبة، ص ۱۶۵، به نقل از: سلیمان، کامل، همان، ص ۴۷۸:

«یجرّد السیف علی عاتقه ثمانیة اشهر هر جا حتی یرضی الله...».

14. ر. ک: الطبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳-۴،

ص ۵۲۵-۵۲۶.

20. همان، ص ۳۵۶، ح ۱۱۹.

2. فیض الاسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ص ۱۲۰۲، ح ۱.

3. همان، ص ۳۶۹، ح ۱۵۷: «اصحاب القائم ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا، اولاد العجم

بعضهم يحمل في السحاب نهرا، يعرف باسمه و اسم ابيه و نسبه و حليته، و بعضهم نائم

على فراشه، فيوا فيه (فيري) في مكة على غير ميعاد.»

4. همان، ص ۳۷۰، ح ۱۵۹: «بيننا شباب الشيعة على ظهور سطوحهم نيام اذا توافوا الى

صاحبهم في ليلة واحدة على غير ميعاد، فيصبحون بمكة.»

5. ك: همان، ص ۳۲۳، ۳۱۶، ۲۸۶، ۲۳۹، ۳۴۲، ۳۶۸.

6. ك: ابن طاووس، رضى الدين على بن موسى، الملاحم و الفتن في

ظهور الغائب المنتظر، ص ۱۲۱؛ سليمان، كامل، روزگار رهايي (يوم الخلاص)، ترجمه

على اكبر مهدى پور، ج ۱، ص ۴۰۷.

7. المجلسي، محمدباقر، همان، ج ۵۱، ص ۲۱۷، ح ۶: «... و اما شبهه من جده المصطفى،

صلى الله عليه وآله، فخر وجه بالسيف و قتله اعداء الله و اعداء رسوله، صلى الله عليه وآله، و

الجبارين والطواغيت، و انه ينصر بالسيف و الرعب و ...»

8. همان، ج ۲۳، ص ۱۸۹، ح ۴.

9. الحر العاملی، محمد بن الحسن، اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۸۸، ح ۸۰۸، به نقل از:

معجم الاحادیث الامام المهدي عليه السلام، ج ۳، ص ۲۴۳، ح ۷۷۲: «یا جابر ان

لبنى العباس رايه و لغيرهم رايات، فايك ثم اياك - ثلاثا - حتى ترى رجلا من

ولد الحسين، عليه السلام، يبائع له بين الركن و المقام، معه سلاح رسول الله،

صلى الله عليه وآله، و مغفر رسول الله و سيف رسول الله.»

منابع:

الفتن، ابو عبدالله نعيم بن حماد المروزي، safhe=95

معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، jeld=3, safhe=295

ترجمه و شرح نهج البلاغه، فيض الاسلام، safhe=1202

ترجمه و شرح نهج البلاغه، فيض الاسلام، safhe=369

ترجمه و شرح نهج البلاغه، فیض الاسلام، safhe=370,

ترجمه و شرح نهج البلاغه، فیض الاسلام

الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، ابن طاووس، safhe=121,

روزگار رهایی، کامل سلیمان، ترجمه علی اکبر مهدی پور، jeld=1, safhe=407,

الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، مجلسی، jeld=51, safhe=217,

الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، مجلسی، jeld=23, safhe=189,